

# دکتر رابرت سی. نیومن، انجیل‌های هم‌نوا سخنرانی ۱۳، متن جنجالی

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

خب، دوباره رسیدیم. داریم به انجیل‌های هم‌نوا نگاه می‌کنیم. داریم به بخش یازدهم از دوازده بخش می‌رسیم.

تاکنون به بررسی عیسی تاریخی، پیشینه یهودی، مقدمه‌ای بر تفسیر در ژانر روایی، نویسنده و تاریخ، و همچنین ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا، تفسیر تمثیل‌های عیسی، انجیل‌ها به عنوان آثار ادبی، مسئله انجیل‌های هم‌نوا، جغرافیای فلسطین و اورشلیم، تفسیر معجزات، الهیات کتاب مقدس انجیل‌های هم‌نوا، پرداخته‌ایم و اکنون می‌خواهیم به بررسی روایت‌های تفسیری بحث‌برانگیز، یا شاید به طور گسترده‌تر روایت‌های بحث‌برانگیز و گفتگو محور پردازیم. متون بحث‌برانگیز ممکن است به شکل روایتی باشند که در آن عیسی به شیوه گفتگو به مخالفان پاسخ می‌دهد، یا به شکل گفتمانی، مانند گزارشی از سخنرانی عیسی در مورد موضوعی بحث‌برانگیز. در هر صورت، موارد خاصی وجود دارد که باید در مورد آنها فکر کنیم تا مطمئن شویم که آنچه اتفاق می‌افتد را اشتباه نمی‌فهمیم.

بنابراین، فکر می‌کنم اینها مواردی هستند که باید در نظر داشته باشید. اولین نکته‌ای که باید در نظر داشته باشید مربوط به چیزی است که ما ممکن است به عنوان پیشینه تاریخی در نظر بگیریم. ممکن است عیسی به بحث خاصی که شما در مورد آن نگران هستید نپردازد، زیرا اولین نگرانی او در مورد بحثی است که در زمان خودش در جریان بوده است.

اگر چیزی در مورد دیدگاه جدید در مورد پولس و غیره شنیده‌اید، که اساساً به چیزی شبیه به این برمی‌گردد، اینکه نوشته‌های پولس در اصلاحات به شدت مورد استفاده قرار می‌گرفت، زیرا اصلاح‌طلبان سعی داشتند با شریعت‌گرایی کلیسای کاتولیک روم مقابله کنند، و افراد خاصی که با این دیدگاه جدید مرتبط هستند گفته‌اند، اما این بحثی نیست که پولس در آن زمان خاص با یهودی‌گرایان داشت. خب، ما قصد نداریم به آن مورد خاص پردازیم، اما چنین چیزی اتفاق می‌افتد، و شما باید سعی کنید درک خوبی از آنچه در آن زمان اتفاق می‌افتاد، به دست آورید. بنابراین این نکته‌ای است که باید در نظر داشته باشید.

شما باید ببینید در زمانی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، چه بحثی وجود داشته است. بنابراین، چه چیزهایی را باید ببینید؟ باید سعی کنید بفهمید مخالفان چه کسانی هستند و از نظر ایدئولوژیکی، الهیاتی عملی و مواردی از این قبیل، از کجا می‌آیند. سپس، نکته بعدی که سعی می‌کنید بفهمید، دیدگاه عیسی در مورد این موضوع است، و این در واقع ممکن است شامل بررسی متونی غیر از متن خاص ما باشد که شما در حال تفسیر، موعظه، آموزش یا مواردی از این قبیل هستید.

در اینجا، باید مراقب باشیم زیرا ممکن است دیدگاه عیسی در مورد این موضوع با دیدگاه من متفاوت باشد. به هر حال، یکی از اهداف کتاب مقدس اصلاح اشتباهات ما به نحوی است، و بنابراین این کاری است که ما باید انجام دهیم. هدف کتاب مقدس این نیست که به دنبال آیاتی بگردیم که بتوانیم آنها را به گردن مخالفان خود بیندازیم؛ بلکه هدف این است که بفهمیم کتاب مقدس چه چیزی را آموزش می‌دهد، و اگر دوست دارید، ممکن است مجبور شوید آن را هم به خودتان و هم به گردن مخالفانتان بیندازید.

پنجمین نکته‌ای که باید در نظر گرفته شود، نحوه استدلال عیسی برای موضع خود است. در اینجا یادآوری این نکته مفید است که مخالفان عیسی ادعاهای او را نمی‌پذیرند؛ شاگردان برخی از آنها را می‌پذیرند، و احتمالاً نمی‌دانند برخی از آنها چیستند، بنابراین مخالفان عیسی قرار نیست حرف او را بپذیرند. بنابراین

سوال این است که آیا می‌توانیم سخنان او را به عنوان استدلالی از جایگاه فعلی‌شان تا جایگاه فعلی‌اش بفهمیم؟ ششم، چیزی که فکر می‌کنم بارها پیش می‌آید وقتی سعی می‌کنیم نوشته‌ای را که از فرهنگی متفاوت از فرهنگ ماست بفهمیم، این است که در این مورد، عیسی ممکن است برخی از مراحل استدلال را که به راحتی توسط مخاطبان یا مخالفان اصلی‌اش قابل درک است، حذف کند، اما این بدان معنا نیست که ما او را خواهیم فهمید مگر اینکه بتوانیم آن مراحل را ارائه دهیم. یادم می‌آید وقتی داشتم روی برنامه دکترایم در دانشگاه کرنل در مقالات ژورنالی کار می‌کردم، نویسندگان می‌گفتند که از روی این معادله، می‌توان به راحتی نشان داد که اینطور است، و یک سری مراحل را حذف می‌کردند، و شما باید سعی کنید و روی آنها کار کنید و بفهمید که اگر می‌خواهید منظور نویسنده را بفهمید، آنها چه هستند. خوب، وقتی با کسی صحبت می‌کنید که از قبل همان پیشینه را دارد، ممکن است چیزی شبیه به آن نگویید، اما این ممکن است هنوز هم درست باشد.

بنابراین، ممکن است عیسی برخی مراحل را از قلم انداخته باشد، اما ما باید مراقب باشیم و سعی کنیم ببینیم، آیا می‌توانیم آنها را بفهمیم. در نهایت، وقتی بفهمیم عیسی به مخالفان و مخاطبان اولیه‌اش چه می‌گوید، آماده‌ایم تا ببینیم چگونه این موضوع می‌تواند به ما و دیگران که امروزه زندگی می‌کنند، منتقل شود. یک راه برای تصویر کردن این موضوع این است که گویی دیدگاه دوران باستان یک افق است و ما سعی می‌کنیم آن دیدگاه را در افق خود قرار دهیم و آن را به شیوه‌ای منصفانه انجام دهیم که با مطالب کتاب مقدس به شیوه‌ای رضایت‌بخش برخورد کنیم.

خوب، همانطور که برای معجزات و تمثیل‌ها انجام دادم، می‌خواهم نوعی مرور کلی بر گزارش‌های جنجال و گفتگو در متون هم‌نوا ارائه دهم. بنابراین، این فهرستی از متونی است که کم و بیش در این ژانر قرار می‌گیرند. و در اینجا، یکی از آنها به جای عیسی و مخالفانش، جنجالی بین یحیی تعمید دهنده و فریسیان خواهد بود، اما بقیه آنها مربوط به عیسی است.

بنابراین، ماجرای پریکوپ، اول از همه، موعظه یحیی تعمید دهنده در متی ۳ و لوقا ۳، و در آنجا او با فریسیان و برخی دیگر که اساساً توبه نمی‌کنند، سر و کار دارد، و بنابراین سعی می‌کند آنها را متوجه جدی بودن اوضاع کند. سپس وسوسه عیسی در متی ۴ و لوقا ۴، وسوسه در بیابان وجود دارد که در آن گفتگو و همچنین اگر دوست دارید، یک جدال بین عیسی و شیطان وجود دارد و اساساً نشان می‌دهد که چگونه شیطان سعی داشت عیسی را منحرف کند. موعظه بالای کوه حذاقل در آن بخش در فصل‌های ۱۷: ۵ تا ۴۷. آشکارا نوعی روایت جنجالی است.

عیسی همین الان گفت، اگر پارسایی شما از پارسایی کاتبان و فریسیان بیشتر نباشد، اگر بخواهید هرگز وارد بهشت نخواهید شد. و سپس می‌گوید، شنیده‌اید که چنین گفته شده، اما من به شما می‌گویم. و از تفکر در مورد آنها به نظر می‌رسد که ما در حال بررسی این موضوع هستیم که فریسیان چگونه با متون مختلف عهد عتیق برخورد می‌کنند یا متون مختلف عهد عتیق را بسط می‌دهند و آنچه عیسی در مورد آن می‌گوید، خوب این چیزی است که آنها واقعاً در مورد آن هستند، و این کاری است که شما باید با آنها انجام دهید.

اگر بخواهیم ادامه دهیم، بحث گفتگو در مورد مرد جذامی در متی ۸، مرقس ۱ و لوقا ۵ وجود دارد. هزینه پیروی از عیسی در متی ۸ و لوقا ۹. شفای فلج، متی ۹، مرقس ۲ و لوقا ۵. به یاد داشته باشید، این همان جایی است که او را از پشت بام پایین می‌اندازند، و سپس عیسی به طرز شگفت‌آوری به او می‌گوید، پسر گناهان تو بخشیده شد. پس این بحث اساساً در ذهن فریسیان است، چه کسی می‌تواند گناه را ببخشد جز فقط خدا و غیره. دعوت متی، احتمالاً ما آن را گفتگو می‌نامیم، اما در فصل ۹ متی و فصل ۲ مرقس و فصل ۵ لوقا.

سوالی در مورد روزه‌داری در همان سه فصل: دختر مرده و زن بیمار در متی ۹، مرقس ۵ و لوقا ۸ هستند. سوال یحیی تعمید دهنده، آیا تو آن کسی هستی که قرار است بیاید یا باید در متی ۱۱ و لوقا ۷ منتظر شخص دیگری باشیم؟ عیسی به عنوان خداوند سبت در متی ۱۲، مرقس ۲ و لوقا ۶، که یکی از جنجال‌های سبت است. عیسی از میان مزارع گندم عبور می‌کرد و شاگردانش دانه‌ها را می‌چیدند و با دست‌هایشان مالش می‌دادند و اگر دوست داشتند غذا را می‌خوردند، که فریسیان آن را به عنوان انجام کاری مانند درو کردن و غربال کردن و از این قبیل می‌دیدند.

شفای مردی که دستش خشک شده بود در متی ۱۲، مرقس ۳ و لوقا ۶ آمده است. بحث عیسی و بعلزبول و این بحثی است که قرار است برگردیم و در متی ۱۲، مرقس ۳ و لوقا ۱۱ به تفصیل به آن بپردازیم. نشانه یونس در متی ۱۲ و لوقا ۱۱. مادر و برادران عیسی در متی ۱۲، مرقس ۳ و لوقا ۸ آمده است. سپس، بحث بر سر پاکی و ناپاکی در متی ۱۵ و مرقس ۷ وجود دارد. زن کنعانی که در متی ۱۵ و مرقس ۷ نزد عیسی می‌آید در متی ۱۶ و مرقس ۸ درخواست نشانه وجود دارد. اعتراف پطرس در متی ۱۶، مرقس ۸ و لوقا ۹ آمده است. عیسی مرگ خود را در متی ۱۶، مرقس ۸ و لوقا ۹ پیش‌بینی می‌کند. سپس، پسر دیوزده در متی ۱۷، مرقس ۹ و لوقا ۹ وجود دارد. سپس مالیات معبد وجود دارد سؤالی که در متی ۱۷ آمده است، نباید با عبارت «از شرق به قیصر» که بعداً می‌آید، اشتباه گرفته شود.

این یکی از آن آدم‌هایی است که برای جمع‌آوری مالیات معبد که معادل نیم شیکل است، می‌روند و اساساً می‌پرسند که آیا عیسی مالیات معبد را می‌پردازد یا نه، و پطرس می‌گوید، خب، بله، حتماً. و بعد وقتی که به عیسی برمی‌گردد، شاید چند دقیقه یا یک ساعت یا بیشتر بعد، عیسی، اگر دوست دارید، او را حسابی کتک می‌زند و می‌گوید، پادشاهان زمین از چه کسی مالیات می‌گیرند، از خانواده سلطنتی خودشان یا از دیگران؟ و پطرس جواب این را می‌داند، که افراد معاف از مالیات معمول در دوران باستان، افرادی بودند که در خانواده سلطنتی و اشراف و از این قبیل چیزها بودند. بنابراین، او می‌گوید، او جواب درست را به این سوال می‌دهد.

و سپس عیسی می‌گوید، پس پسران آزاد هستند. و مفهوم آن این است که عیسی و شاگردانش دیگر نیازی به پرداخت مالیات معبد ندارند. اما او می‌گوید، برای اینکه مردم آزاده نشوند، شما بیرون بروید و پطرس بیرون می‌رود و این ماهی را می‌گیرد و سکه‌ای به اندازه مناسب در دهانش دارد تا مالیات معبد عیسی و پطرس را بپردازد.

بحث میان شاگردان بر سر اینکه چه کسی بزرگتر است، در واقع جزئیات بحث را نمی‌شنویم، اما پاسخ عیسی به آن در متی ۱۸، مرقس ۹ و لوقا ۹ آمده است. و سپس کل موضوع طلاق که در متی ۱۹ و مرقس مطرح می‌شود، به گفتگو منجر می‌شود. مسئله آمدن بچه‌های کوچک به نزد عیسی، متی ۱۹، مرقس ۱۰، ۱۰ و لوقا ۱۸. و آمدن حاکم جوان ثروتمند به نزد عیسی در متی ۱۹، مرقس ۱۰ و لوقا ۱۸.

درخواست مادر - این درخواست مادر یعقوب و یوحنا در متی ۲۰ و مرقس ۱۰ است. پاکسازی معبد در متی ۲۱، مرقس ۱۱ و لوقا ۱۹. اقتدار عیسی پس از آن زیر سوال می‌رود، و این در متی ۲۱، مرقس ۱۱ و لوقا ۲۰، ۲۱ آمده است.

پرداخت مالیات به قیصر، که چند دقیقه پیش در متی ۲۲، مرقس ۱۲ و لوقا ۲۰ به آن اشاره شد. سپس سوال صدوقی در مورد ازدواج و رستاخیز نیز در متی ۲۲، مرقس ۱۲ و لوقا ۲۰ مطرح می‌شود. سپس، سوال کاتب در مورد اینکه بزرگترین احکام کدامند، در متی ۲۲ و مرقس ۱۲ مطرح می‌شود.

و سپس سوال متقابل عیسی، مسیح کیست؟ و آنها می‌گویند، خب، او پسر داوود است. و سپس عیسی می‌پرسد که چرا داوود در یک جامعه مردسالار او را خداوند می‌نامد. جد، فرزند را خداوند نمی‌نامد، بنابراین چیز دیگری در حال وقوع است. این موضوع در متی ۲۲، مرقس ۱۲ و لوقا ۲۰ نیز آمده است.

سپس نوبت به مسح در بیت عنیا، متی ۲۶، مرقس ۱۴ می‌رسد. انکار پطرس، متی ۲۶، مرقس ۱۴ و لوقا ۲۲ را پیش‌بینی کرده بود. گفتگوی جتسیمانی در متی ۲۶، مرقس ۱۴ و لوقا ۲۲ آمده است.

دستگیری عیسی، همان باب‌ها. سنهدرین، عیسی در حضور سنهدرین، متی ۲۶ و مرقس ۱۴. کسی که علیه ما نیست، با ماست، مرقس ۹ و لوقا ۹. اکنون آن‌هایی را که در متی و چند انجیل دیگر هستند، تمام کرده‌ایم، بنابراین اکنون فقط به آن یکی می‌پردازیم.

این تنها موردی است که در مرقس آمده، اما در متی نیست. و سپس مواردی که فقط در لوقا آمده است. عیسی در سن ۱۲ سالگی، لوقا ۲. طرد شدن عیسی در ناصره، لوقا ۴. صید بزرگ ماهی، لوقا ۵. عیسی لوقا تا ۵۰ را مسح کرد ۳۶، ۷.

او چند بار مختلف مسح شده است. این یکی مربوط به زمانی است که او در خانه شمعون فریسی است و این یکی روی پاهای او پماد می‌گذارد و سپس روی پاهایش گریه می‌کند و سپس پاهای او را با موهایش خشک می‌کند. نمونه‌ای کاملاً قابل توجه از یکی از استدلال‌های عیسی در آنجا.

تمثیل سامری نیکوکار در لوقا ۱۰. ماجرای مریم و مارتا، جایی که مارتا از مریم می‌خواهد که در آماده‌سازی به او کمک کند، نیز در لوقا ۱۰ است. شش مصیبت عیسی در لوقا ۱۱.

مَثَل ثروتمند نادان در لوقا ۱۲. توبه کن یا هلاک شو، لوقا ۱۳. مرد فلج در لوقا ۱۳.

در تنگ، لوقا ۱۳. هیروودیس روباه، لوقا ۱۳. عیسی در خانه فریسی، لوقا ۱۴.

گوسفند گمشده، سکه و پسر، لوقا ۱۵. فریسیان و پول، لوقا ۱۶. ده جذامی، لوقا ۱۷.

زکی، لوقا ۱۹. دختران اورشلیم، لوقا ۲۳. دو دزد، لوقا ۲۳.

جاده به سوی ایمائوس، لوقا ۲۴. ظهور بر شاگردان، لوقا ۲۴. اگر وقتی ما آنها را بررسی می‌کردیم، کمی در ذهنتان به آنها فکر می‌کردید، متوجه می‌شدید که بعضی از آنها معجزه هستند، بعضی تمثیل و بعضی چیزهای دیگری هستند.

بنابراین، برخی از معجزات، چه یک بار و چه بدون آن، شامل گفتگو یا بحث و جدل می‌شوند. معجزات عیسی در روز سبت همواره منجر به بحث و جدل می‌شد، و تمثیل‌های عیسی اغلب پاسخ‌هایی به نوعی بحث و جدل بودند.

خب، ما می‌خواهیم یکی از این موارد را با جزئیات بررسی کنیم و آن اخراج دیوها توسط بعلزبول در لوقا ۱۱ است. و ما از ۱۴ شروع می‌کنیم و به ۲۸ می‌رسیم. لوقا به ما می‌گوید، و او، یعنی عیسی، در حال اخراج دیوی بود، و دیو لال بود.

و این اتفاق زمانی افتاد که دیو بیرون آمد و مرد لال صحبت کرد و جمعیت شگفت‌زده شدند. بنابراین، ما نوعی روایت معجزه‌آسا داریم، حتی با وجود واکنش جمعیت و غیره. اما این فقط مقدمه‌ای بر این موضوع است.

آیه ۱۵، اما برخی از ایشان گفتند: «او به یاری بعزبول، رئیس دیوها، دیوها را بیرون می‌کند.» دیگران، برای آزمودن او، شروع به جستجوی نشانه‌ای آسمانی از او کردند، یا به دنبال آن بودند. اما او، با درک افکارشان به ایشان گفت: «هر پادشاهی که بر ضد خود تجزیه شود، ویران خواهد شد و خانه‌ای که بر ضد خانه‌ای تجزیه شود، فرو خواهد ریخت.»

حال، اگر واقعاً شیطان علیه خود تفرقه افکنده باشد، پادشاهی او چگونه پایدار خواهد ماند؟ زیرا شما می‌گویید که من به وسیله‌ی بعزبول، دیوها را بیرون می‌کنم. حال، اگر من به وسیله‌ی بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما به وسیله‌ی چه کسی آنها را بیرون می‌کنند؟ بنابراین، آنها داوران شما خواهند بود. اما اگر به وسیله‌ی انگشت خدا، دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است.

هرگاه مردی نیرومند، مسلح و آماده، از حیاط خود نگهبانی کند، دارایی‌هایش در امان است. اما به محض اینکه کسی نیرومندتر از او بیاید و بر او پیروز شود، زره‌ای را که به آن اعتماد داشت از او می‌گیرد و غنایم یا سلاح‌هایش را تقسیم می‌کند. کسی که با من نیست، علیه من است و کسی که با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌کند.

وقتی روح پلید از کسی بیرون می‌آید، در جستجوی استراحتگاه به جاهای خشک و بی‌آب می‌رود و چون جایی نمی‌یابد، می‌گوید: «به خانه‌ای که از آن آمده‌ام برمی‌گردم.» و می‌آید و آن را جارو شده و مرتب می‌بیند. سپس می‌رود و هفت روح بدتر از خود را می‌آورد و آنها می‌آیند و در آنجا ساکن می‌شوند.

و عاقبت آن مرد از اولش بدتر است. حال، هنگامی که او این سخنان را می‌گفت، زنی از میان جمعیت با صدای بلند به او گفت: «خوشا به حال رحمی که تو را زایید و سینه‌ای که مکیدی.» اما او گفت: «برعکس.» خوشا به حال کسانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.

بباید در این آیات قدم بزنیم و به چند نکته که مربوط به یونانیان است نگاهی بیندازیم. سپس، برمی‌گردیم و به طور کلی به متن فکر می‌کنیم. در آیه ۱۵، برخی از آنها که توسط بعزبول، رئیس دیوها، گفته شده است، دیوها را بیرون می‌کنند. به متن موازی در متی نگاه می‌کنیم و آنها به عنوان فریسیان توصیف شده‌اند.

اگر به متن مشابه در انجیل مرقس نگاه کنیم، آنها به عنوان کاتبانی از اورشلیم توصیف شده‌اند. این نکته‌ی نسبتاً مهمی را به ما یادآوری می‌کند. اگر در حال مطالعه‌ی متنی هستید، باید بررسی کنید و ببینید که آیا متون مشابه دارد یا خیر، که در انجیل‌ها غیرمعمول نیست.

سپس، آنها را بخوانید و مطمئن شوید که در تفسیر خود کاری انجام نمی‌دهید که با یکی از متون موازی در تضاد باشد. این یک چیز درجه یک است. چیزی که، اتفاقاً، همیشه توسط لیبرال‌ها به دلیل نظریه‌هایشان در مورد تاریخ آن و چیزهایی از این قبیل رعایت نمی‌شود.

در آیه ۱۶، دیگران که او را آزمایش می‌کنند، شروع به جستجوی نشانه‌ای از آسمان می‌کنند. این در واقع ما را فراتر از متن به آیه ۲۹ متصل می‌کند، جایی که دوباره به این موضوع اشاره می‌شود، اما ما در اینجا با آن سروکار نداریم. سپس، او ادامه می‌دهد و در آیه ۱۹ شروع به پاسخ دادن به آنها می‌کند.

حالا، اگر من دارم دیوها را به وسیله‌ی بعزبول بیرون می‌کنم، شما دارید آنها را به وسیله‌ی چه کسی بیرون واقعی if است که در برخی از دستور زبان‌های قدیمی‌تر شما به آن if می‌کنید؟ این مثال خوبی از ساختار می‌گفتند. اما در سال‌های اخیر، دستور زبان‌دانان متوجه شده‌اند که اینها در واقع چیزی هستند که می‌توانیم منطقی بنامیم اگر اینطور باشد. اگر این درست باشد، این چیزی است که از آن نتیجه می‌شود.

اما من قبول ندارم که این درست است، باشه؟ و عیسی آشکارا قبول ندارد که او توسط بعلزبول دیوها را بیرون می‌کند. من ابتدای آیه ۲۱ را به این صورت ترجمه کردم که هر زمان که یک مرد قوی کاملاً مسلح است، اما در واقع یک حرف تعریف قطعی قبل از یک مرد قوی است. و برخی از مردم منحرف شده‌اند و اینطور فکر کرده‌اند که خب، عیسی اشاره می‌کند که این اوست و غیره.

اما این فقط کاربرد عمومی یک حرف تعریف است. و بله، در واقع، وقتی به نحوه‌ی تنظیم این تمثیل نگاه می‌کنید، عیسی خود را به عنوان مرد قوی نشان می‌دهد، اما فکر می‌کنم هیچ اشاره‌ای به یونانی آن نشده است. چه چیز قابل توجه دیگری در اینجا در یونانی وجود دارد؟ یک فعل ماضی نقلی در آیه ۲۲ وجود دارد. که او به آن اعتماد کرده بود، که در یونانی عهد جدید ما بسیار نادر است.

سپس کاربرد عمومی حرف تعریف معین را در آیه ۲۴ در مورد روح ناپاک می‌بینیم که من آن را به عنوان روح ناپاک ترجمه کردم. و این به خوبی از نکات قابل توجه یونانی که در متن ما وجود دارد، پشتیبانی می‌کند. نکته بعدی که در اینجا به آن پرداختم، عناصر روایت در این واقعه خاص است.

این روایتی با دیالوگ ضمنی است. در واقع، شما فریسیان یا هر کسی را دارید که می‌گوید او توسط بعلزبول شیاطین را بیرون می‌کند. و در واقع، پاسخ عیسی به این موضوع چیزی است که بیشتر این ماجرا را تشکیل می‌دهد.

و در آخر، این زن را دارید. خوشا به حال رحمی که تو را در خود جای داده است. و سپس عیسی به آن پاسخ می‌دهد.

و کسی که زودتر دنبال تابلو می‌گردد، آن را درست بعد از عبور از گذرگاه ما برمی‌دارد. بنابراین، ما اینجا با نوعی گفتگوی پیچیده مواجه هستیم، در واقع، شما در حال صحبت با جمعیتی هستید و افراد مختلفی از میان جمعیت چیزی می‌گویند. اما این همچنین یک روایت است.

بنابراین، عناصر روایت در اینجا بازیگران یا شخصیت‌ها هستند. خب، عیسی وجود دارد. مخالفان بی‌نام و نشان نیز وجود دارند که در متی و مرقس به عنوان کاتبان و فریسیان برای ما بیشتر توصیف شده‌اند.

چند نفر دیگر هم هستند که هویتشان برای ما مشخص نشده است. و این زن هم هست. رویدادها و کنش‌ها.

عیسی یک لال را که دیورده شده بود شفا می‌دهد. مخالفان ادعا می‌کنند که او توسط بعلزبول کار می‌کند. ما باید برگردیم و در مورد اینکه بعلزبول کیست فکر کنیم.

دیگران به دنبال نشانه‌ای آسمانی هستند. عیسی به کسانی که ادعا می‌کنند او با قدرت شیطانی کار می‌کند پاسخ می‌دهد. زن با دعای خیر برای مادرش حرف او را قطع می‌کند.

و عیسی به او پاسخ می‌دهد. و سپس، درست از جایی که ما عبورمان را متوقف کردیم، عیسی به کسانی که به دنبال نشانه بودند پاسخ می‌دهد. صحنه‌ها مشخص نشده‌اند، اما احتمالاً همه اینها یک صحنه است.

از این نظر، او تحت شرایط خاصی با آنها صحبت می‌کند. طرح داستان. خب، واکنش‌های مختلفی به عیسی وجود دارد که توسط او بررسی می‌شود.

می‌توان گفت که این طرح اصلی است. و بنابراین، شاید به مخالفت با عیسی و تلاش‌ها برای بی‌اعتبار کردن عیسی پاسخ داده شود. شاید بتوانیم بگوییم که با حرف زن، یک حواس‌پرتی دوباره متمرکز شده است.

ما دو یا سه مثال داریم که کسی چیزی به عیسی می‌گوید، و این به نوعی حواس‌پرتی است. این حرف آنها را از آنچه در حال وقوع است منحرف می‌کند، و سعی می‌کند مخاطب را از آنچه در حال وقوع است دور کند. من مردی را به یاد دارم که از عیسی می‌خواست در اختلاف با برادرش بر سر تقسیم ارث، داوری کند، و عیسی به او پاسخ داد.

اما به یک معنا، این یک حواس‌پرتی است. خوب، جنجالی که در پس‌زمینه‌اش وجود دارد. بعزلبول کیست؟ ضمناً، اینها سوالاتی بودند که من در یک برگه مطالعه مطرح کردم.

دانش‌آموزان من باید خودشان در موردش فکر کنند و سپس در کلاس بحث کنند. بعزلبول کیست؟ مخالفان عیسی وقتی او را به بیرون راندن شیاطین توسط بعزلبول متهم می‌کنند، چه می‌گویند؟ خوب، خود روایت ما، بعزلبول را به عنوان حاکم شیاطین معرفی می‌کند. این به طور خودکار او را شیطان نمی‌کند، درست است؟ زیرا شیطان ممکن است، همانطور که سی. اس. لوئیس می‌گوید، نوعی سلسله مراتب تحت نظر خود داشته باشد، درست است؟ بنابراین، این شخص ممکن است شخص دیگری باشد.

این نام از بعل، کلمه استاندارد برای ارباب، گرفته شده است که به نامی برای یک خدا یا ... تبدیل شده است، بله، احتمالاً خدایی است که مکان‌های مختلفی برای شناسایی آن وجود دارد و نه به عنوان خدایان مختلف. و بنابراین، به طور خاص خدای بعل در اینجا، در ترکیب با زیول، معانی مختلفی دارد و حتی در طول قرن‌ها به جای حرف ل، با حرف ب به پایان رسیده است. بعزلبول و همچنین بعزلبول. معانی مختلف آن عبارتند از پلیدی، ارباب پلیدی، که بدیهی است مکمل یکدیگر نیستند، ارباب شاهزاده، ارباب خانه و غیره.

اینکه آیا باید بعزلبول را مترادف شیطان دانست یا نام یکی از زیردستان او که بر شیاطین مسلط است، واقعاً مشخص نیست. این سوال پیچیده‌تری است. ما مطمئناً هم از عهد عتیق و هم از اظهارات پولس در عهد جدید شواهدی داریم که نشان می‌دهد قدرت‌های شیطانی و اهریمنی در پشت انواع مختلف ادیان دروغین قرار دارند.

و برای اینکه بتوانیم ببینیم. آنچه واضح است این است که مخالفان، عیسی را به استفاده از قدرت شیطانی متهم می‌کنند، احتمالاً به این دلیل که خودشان به این باور دارند، و همچنین برای بی‌اعتبار کردن او نزد مردم. اگر سعی کنید به عقب برگردید و از دیدگاه فریسیانی که به مخالفت برخاسته‌اند یا کاتبانی که در همان دسته قرار دارند، به این موضوع نگاه کنید، آنها با این مشکل مواجه می‌شوند که عیسی معجزاتی انجام می‌دهد که هیچ‌کس قرن‌هاست انجام نداده است.

در واقع، اگر به آن فکر کنید، یک مشکل بزرگ این است که وقتی معجزات عیسی را تجزیه و تحلیل می‌کنید، آنها در همان جایگاه موسی و الیاس و الیشع و از این قبیل قرار می‌گیرند. بنابراین، در مورد این موضوع چه خواهید کرد؟ خوب، این نوع پیشینه در رابطه با پاسخ عیسی بسیار مهم خواهد بود. بنابراین، کاری که آنها واقعاً باید انجام دهند این است که اگر نمی‌خواهند بپذیرند که عیسی همان کسی است که ادعا می‌کند، باید به او قدرت‌های شیطانی نسبت دهند.

شما بخشی از همان وضعیت را دارید، مثلاً یک نسل پیش، زمانی که غیر کاریزماتیک‌ها به کاریزماتیک‌ها و امثال آن واکنش نشان می‌دادند، شاید اکنون تا حدودی تغییر کرده باشد، اگرچه غیر کاریزماتیک‌ها هنوز هم وقتی معجزات انجام می‌شوند، مشکوک هستند و البته فکر می‌کنم حق دارند که آنها را با کتاب مقدس

مقایسه کنند و ببینند که آیا این منصفانه است یا خیر. بنابراین، بحثی که عیسی به آن می‌پردازد چیست؟ خب، این واقعاً بسیار ساده است. سوال این است که منبع واقعی قدرت عیسی چیست؟ مخالفان او در اینجا چه کسانی هستند؟ آنها از کجا می‌آیند؟ خب، همانطور که قبلاً چند بار اشاره شد، مخالفان در لوقا مشخص نشده‌اند، اما متی 12:24 آنها را فریسیان معرفی می‌کند و مرقس 3:22 معلم شریعت است که از اورشلیم آمده است.

آنها نمی‌توانند انکار کنند که عیسی کارهای معجزه‌آسا انجام می‌دهد، اما از آنجایی که حاضر نیستند عیسی را از جانب خدا بپذیرند، پس باید از جانب شیطان باشند. بنابراین، سؤالی که در متن ما مطرح می‌شود این است که عیسی چگونه از موضع خود دفاع می‌کند؟ آیا می‌توانید جاهایی را پیدا کنید که عیسی در استدلال خود برخی مراحل را حذف کرده باشد، زیرا ممکن است مخالفان یا مخاطبانش به آنها نیازی نداشته باشند؟ خب، من آیات 17 تا 26 را بررسی کردم و اساساً این کاری بود که از دانش‌آموزانم خواستم انجام دهند و سعی کردم ببینم آیا می‌توانند آن را به استدلال‌های مجزا تقسیم کنند یا خیر. بنابراین، بد نیست که آیات را بیرون بکشید و دوباره به آنها نگاه کنید.

به نظر می‌رسد که آیات 17 و 18 نوعی استدلال از یک پادشاهی تقسیم‌شده هستند. او با آگاهی از افکار آنها، گفت هر پادشاهی که علیه خود تقسیم شود، ویرانی دیر هنگام خواهد بود و خانه‌ای که علیه خانه‌ی دیگر تقسیم شود، فرو خواهد ریخت. حال، اگر شیطان واقعاً علیه خود تقسیم شده باشد، پادشاهی او چگونه پابرجا خواهد ماند؟ و سپس توضیحی، زیرا شما می‌گویید که من به واسطه‌ی بعزبول، دیوها را بیرون می‌کنم.

شاید او در آخر این را می‌گوید چون شاید بعضی از افراد حاضر در جمعیت حرف‌های مخالفان را نمی‌شنوند. بعد، به نظر می‌رسد که بحث 19 کمی متفاوت باشد. منظورم این است که این‌ها به نوعی به هم مرتبط هستند و من آن را جن‌گیرهای شما نامیده‌ام.

حال، اگر من به وسیله‌ی بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما به وسیله‌ی چه کسی آنها را بیرون می‌کنند؟ و ممکن است پسرانی باشند، می‌دانید، شاگردان شما و غیره. و احتمالاً منصفانه است که بگوییم فریسیان انواع و اقسام جن‌گیرها را داشتند. یوسفوس به جن‌گیری‌هایی که اتفاق می‌افتاد اشاره می‌کند.

مثال او در واقع آن را به اسنی‌ها مرتبط می‌کند، اما غیرمنطقی نیست که فریسیان نیز چیزی شبیه به این داشتند. و سپس، در آیه 20، من پادشاهی را به عنوان برجسی برای این استدلال دارم. عیسی، اما اگر من با انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر تو آمده است.

بنابراین، استدلال، می‌دانید، اگر این، اگر من به طور معجزه‌آسا شیاطین را بیرون می‌کنم، این چیزی در مورد رسیدن به پادشاهی می‌گوید. این ما را به بحث الهیات کتاب مقدس، یعنی همان هم‌نواها، که دفعه قبل بود برمی‌گرداند، جایی که اگر دوست دارید، این یکی از شواهدی است که پادشاهی آمده است. سپس آیات 21 تا 22 را قوی و قوی‌تر می‌نامم.

هرگاه مردی قوی و کاملاً مسلح از حیاط خود محافظت کند، دارایی‌هایش در امان است. اما به محض اینکه کسی قوی‌تر از او بیاید و او را شکست دهد، زره‌ای را که به آن اعتماد داشت از او می‌گیرد و غنایم، اموال یا سلاح‌هایش را که برای دفاع از خود استفاده می‌کرده، تقسیم می‌کند. آیه 23 را به عنوان استدلال دیگری در نظر می‌گیرم، بدون بی‌طرفی.

آن که با من نیست، علیه من است و آن که با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌کند. سپس، در آیات ۲۴ تا ۲۶، به بخشی نسبتاً گیج‌کننده می‌رسیم که من آن را خانه روح می‌نامم. وقتی روح پلید از انسانی بیرون می‌آید، برای یافتن آرامش از مکان‌های بی‌آب عبور می‌کند.

چون چیزی نیافت، گفت: به خانه‌ای که از آن آمده‌ام برمی‌گردم. و آمد و خانه را جارو شده و مرتب یافت. سپس رفت و هفت روح بدتر از خودش را آورد و آنها به آنجا آمدند و ساکن شدند.

در شرایط آخر، این مرد از مرد اول بدتر است. همه اینها در پاسخ به تاکتیک مخالفان است که معجزات عیسی را شیطانی جلوه می‌دهند. به نظر می‌رسد آنها چیزی شبیه به این استدلال می‌کنند.

و بنابراین، اگر مایل باشید، مراحل را تکمیل می‌کنیم. آیات ۱۷، ۱۸، پادشاهی تقسیم شده. با توجه به جنگ شیطان با خدا، بسیار خوب، این دیدگاه فریسیان در مورد این موضوع و همچنین دیدگاه عیسی در مورد آن خواهد بود.

آیا شیطان می‌تواند در مواجهه با خدا، نیروهایش را تقسیم کند؟ وقتی به نبردهای تاریخ باستان و تاریخ مدرن و غیره نگاه می‌کنید، اغلب یک تاکتیک‌دان باهوش نیروهایش را تقسیم می‌کند و یکی از آنها را در جایی قرار می‌دهد و غیره. و این اغلب جواب می‌دهد، اما به این دلیل جواب می‌دهد که ژنرال حریف نمی‌داند چه اتفاقی دارد می‌افتد. حالا سعی کنید این را به قلمرو معنوی بیاورید.

شیطان نیروهایش را تقسیم خواهد کرد، زیرا خدا نمی‌داند چه اتفاقی دارد می‌افتد و قرار نیست کاری بکند. پس آیا شیطان می‌تواند چنین کاری بکند؟ به هر حال، خدا یک ژنرال انسانی نیست که حرکات سربازانش از او پنهان بماند یا کسی که ممکن است فریب بخورد. آیا شیطان ریسک بزرگی نمی‌کند که خدا برای نابودی او مداخله کند؟ شیطان آنقدر از آینده خبر ندارد که بداند اگر کار درست، یعنی کار ایمن، کاری که به نفعش باشد را انجام ندهد، ممکن است در یک چیز خاص شکست نخورد.

آیه ۱۹، جن‌گیرهای شما، چیزی شبیه به این است. بر چه اساسی می‌توانید بین جن‌گیری‌های من و جن‌گیرهای فریسی خودتان تمایز قائل شوید؟ آیا جن‌گیری‌های شما قدرتمندتر است؟ آیا آنها کارآمدتر هستند و غیره؟ و اگر اینطور نباشد، می‌دانید، شما از جانب خدا کار می‌کنید و به اندازه آنها قدرتمند یا کارآمد نیستید و غیره، آن استدلال خیلی خوب پیش نمی‌رود. سپس در آیه ۲۰، آن را دوباره اینجا برای خودتان بخوانید.

اگر من با انگشت خدا، دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما نازل شده است. به نظر می‌رسد که استفاده عیسی از عبارت انگشت خدا، قصد یادآوری خروج ۸-۱۹ را دارد، جایی که جادوگران مصری، در رقابت با موسی، سرانجام وقتی او [موسی] را وادار به انجام کاری می‌کند، می‌دانید وقتی خدا به موسی اجازه می‌دهد یا موسی را راهنمایی می‌کند تا پشه‌ها را به داخل بیاورد، جادوگران مصری نمی‌توانند با آن رقابت کنند. و بنابراین، آنها می‌گویند، این قدرت از جانب خداست.

این قدرت خداست. اما اگر معجزات عیسی از جانب خدا باشد، پس باید با این واقعیت روبرو شوید که در او، پادشاهی خدا آمده است، و شما باید بر این اساس پاسخ دهید، نه اینکه سعی کنید آن را به عنوان امری شیطانی رد کنید. آیات ۲۱ و ۲۲، قوی‌تر و قوی‌تر، فکر می‌کنم استدلال چیزی شبیه به این است.

در واقع، قدرت عیسی در بیرون راندن شیاطین، مانند شکست یک جنگجوی مسلح توسط جنگجوی دیگر و غارت اموالش، نشان می‌دهد که عیسی شیطان را شکست داده و غارت کرده است. او اسیران شیطان را برده و آزاد کرده است، اگر دوست دارید. ۲۳، من قبلاً اینجا مطرح کردم، بدون بی‌طرفی

در این جنگ بی طرفی وجود ندارد. یا در جبهه خدا هستید یا در جبهه شیطان. اگر با من نیستید، علیه ۲۳، من هستید.

اگر با من همکاری نمی‌کنی، علیه من کار می‌کنی. حال، آیات ۲۴ و ۲۶ از چندین جهت گیج‌کننده هستند. این یکی در مورد... بگذارید به اینجا برگردم، آیاتم را گم می‌کنم.

فکر کنم به چیزی از کار افتاده. بذار ببینم می‌تونم دوباره مرتبش کنم یا نه. فکر کنم، شروع کردیم.

آیات ۲۴ تا ۲۶، نوعی روایت است، خوب، وقتی روح پلیدی از مردی بیرون می‌آید، از مکانی بی‌آب و علف، عبور می‌کند، به دنبال استراحت می‌گردد و جایی پیدا نمی‌کند، می‌گوید: «به خانه‌ام برمی‌گردم.» وقتی می‌آید می‌بیند که خانه جارو شده و مرتب است، هفت روح دیگر بدتر از خودش را با خود می‌آورد و آنها می‌آیند و در آنجا ساکن می‌شوند و غیره. به نظر می‌رسد که این یک تمثیل است و آنچه را که برای مردی که از تسخیر دیو رهایی یافته است، اتفاق می‌افتد، به تصویر می‌کشد. و همانطور که در چند جای دیگر کتاب مقدس اتفاق می‌افتد، آن شخص به نوعی به عنوان یک خانه تصویر شده است و دیوها افرادی هستند که در خانه زندگی می‌کنند.

ما تصویری کمی شبیه به این داریم، جایی که پولس بدن فعلی ما را به عنوان یک خیمه، و بدن رستخیز را به عنوان یک خانه، و ما را احتمالاً روحی که در آن ساکن است، اگر دوست دارید، تصویر می‌کند. بنابراین، ما چیزی شبیه به این را اینجا داریم. و بنابراین اساساً، به نظر می‌رسد این مثل تصویری از آنچه برای مردی که از تسخیر دیو رهایی یافته است اتفاق می‌افتد اگر هیچ قدرتی در درون او برای مقاومت در برابر بازگشت دیو قرار داده نشده باشد.

و خوب، به نظر می‌رسد که این اتفاق دارد می‌افتد. حدس می‌زنم یک مثل است. عیسی همیشه به ما نمی‌گوید. که چه زمانی با مثل صحبت می‌کند.

و به نظر می‌رسد که این مقایسه این است که اگر اسرائیل یا اگر مردمی که او با آنها صحبت می‌کند، پس از نمایش تمام این قدرت معجزه‌آسا، عیسی را به صورت جداگانه رد کنند، وقتی نیروهای شیطانی بازگردند، آنها مغلوب خواهند شد. برداشت من از این موضوع این است. و اینکه چه برداشتی از آن داشته باشیم کمی دشوار است، اما فکر می‌کنم این مسیری است که من برای این پاسخ خاص پیشنهاد می‌کنم.

بنابراین، این نوعی هشدار در پایان این اظهارات است. آیا گفته‌ی زن و پاسخ عیسی در آیات ۲۷-۲۸ در این مورد قرار می‌گیرد، یا یک فراز و نشیب جدید، یک حادثه‌ی جدید است؟ خوب، مطمئن نیستم که این یک حادثه‌ی جدید است یا نه. اگر هم باشد، خیلی کوتاه است.

علاوه بر آیه ۱۶، به نظر می‌رسد آیات دیگری که به دنبال نشانه هستند، با آیه ۲۹ که بعد از قسمتی که در موردش بحث می‌کنیم، مرتبط هستند. آن نسل شروری است که به دنبال نشانه می‌گردد. بنابراین، فکر می‌کنم احتمالاً اینطور نیست.

شاید، البته، ایده ما برای تقسیم همه چیز به پریکوپ‌ها در بعضی جاها کمی مصنوعی باشد، بنابراین ممکن است در اینجا مشکل ایجاد کند. اگر این آخرین یا نزدیک به آخرین مورد در این پریکوپ باشد، ارتباط آن با بقیه ممکن است این باشد که تولد فیزیکی نیست، بلکه اطاعت مهم است و رابطه مناسب با خدا نعمتی، حتی بزرگتر از به دنیا آوردن مسیح است. چطور این موضوع مطرح می‌شود؟ خوب، یک زن آن را مطرح کرد،

و بنابراین از دیدگاه عیسی در زمان تحقیرش، از لقاحش تا رستاخیز یا عروجش، اگر دوست دارید، او همیشه از قدرت‌های الهی خود استفاده نمی‌کند.

بنابراین، او در مواقع مختلف از چیزهایی غافلگیر می‌شود. بنابراین، این ممکن است غافلگیری باشد که زن مطرح می‌کند، و با این حال، اگر دوست دارید، عیسی به خوبی به آن پاسخ می‌دهد. و باز هم، این همچنان یک هشدار خواهد بود که در اینجا افرادی هستند که فکر می‌کنند چون اسرائیلی هستند در امان هستند همانطور که چند بار دیگر در تاریخ نجات اتفاق افتاده است، اما رد مسیح واقعاً اوضاع را خراب می‌کند.

و بنابراین، این یک پاسخ صحیح به این است که خدا حتی برای مادر بودن به مسیح نزدیک نیست. در واقع، این متن برای مریم‌شناسی کاتولیک رومی متن خوبی نیست، اما موضوع اصلی آن هم این نیست. اما به نظر من برداشت من از آن این است که اطاعت مهم است نه تولد فیزیکی، نحوه واکنش شما به عیسی مهم است نه ارتباط فیزیکی شما با او، و اینکه ارتباط مناسب با خدا حتی نعمتی بزرگتر از به دنیا آوردن مسیح است.

و آخرین سوالی که در برگه مطالعه‌ام پرسیدم این بود که چه کاربردهایی در این پاسخ عیسی به جنجال‌های مختلفی که ممکن است امروز با آنها مواجه شوید، می‌بینید؟ و خب، بیایید ببینیم. می‌توانیم استدلال‌های آیات ۱۷ تا ۲۲ را خلاصه کنیم و به اینجا برگردیم تا آنها را برای شما بیرون بکشیم. آنها... بفرمایید.

من هنوز این چیزها را دارم قاطی می‌کنم، جابجاشون می‌کنم. خب، رسیدیم. پادشاهی تقسیم شده، جن گیر تو، پادشاهی بیا، قوی‌تر و قوی‌تر.

خب، چطور با این موارد برخورد می‌کنید؟ می‌توانیم استدلال‌های آیات ۱۷ تا ۲۲ را به این صورت خلاصه کنیم که به مسئولیت ما در استفاده از قضاوت صحیح به جای جانبداری برای گروه خاصی که در آن هستیم یا درخواست‌های خاص، و برخورد منصفانه با شواهدی که خدا ارائه می‌دهد به جای اینکه اجازه دهیم پیش‌فرض‌هایمان ما را کنترل کنند، اشاره دارند. و البته این توصیه خوبی برای هر سنی است. یهودیان در زمان عیسی با وضعیت نسبتاً دشواری روبرو بودند.

عیسی دقیقاً آن چیزی نبود که آنها در مسیر مسیح انتظار داشتند. علاوه بر این، او با برخی از دیدگاه‌های الهیاتی که صدوقیان داشتند و برخی از دیدگاه‌های الهیاتی که فریسیان داشتند، مخالف بود و افرادی که به این گروه‌ها تعلق داشتند و به طور جدی سعی در پیروی از خدا داشتند، مجبور بودند با این موضوع کنار بیایند و سعی کنند در موضع خود تجدید نظر کنند. و این ممکن است برای ما در زندگی مسیحی خودمان اتفاق بیفتد، که چیزی که به آن اعتقاد داشته‌ایم اشتباه از آب درآید.

می‌دونید، شاید ما فکر می‌کردیم که داریم کتاب مقدس رو تفسیر می‌کنیم، اما این کار رو به درستی انجام نمی‌دادیم. منظورم اینه که این گاهی اوقات خودش رو نشون می‌ده. ما معصوم نیستیم.

و بنابراین، ما باید با شواهدی که خدا ارائه می‌دهد منصفانه برخورد کنیم، نه اینکه اجازه دهیم پیش‌فرض‌هایمان ما را کنترل کنند. آیه ۳ به ما یادآوری می‌کند که در نهایت، وقتی صحبت از این می‌شود که با عیسی چه خواهیم کرد، هیچ بی‌طرفی وجود ندارد. نه در آن زمان، نه امروز.

آیات ۲۴ تا ۲۶ نشان می‌دهند که نعمت‌هایی که داریم بدون داشتن رابطه‌ای مناسب با خدا نمی‌توانند دوام بیاورند. همانطور که از سایر آیات می‌بینیم، حتی اگر در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که نعمتی دریافت کنیم، اگر به خدا بچسبیم و سعی کنیم کار درست را انجام دهیم، روزی نعمت از راه خواهد رسید. بنابراین، فقط باید آماده باشیم تا منتظر آن باشیم.

و آیات ۲۷ تا ۲۸ نشان می‌دهند که هیچ نعمتی بزرگتر از شناخت و دوست داشتن خدا نیست. بنابراین، با این اوصاف، به این بسنده می‌کنیم. بدون شک می‌توانید با کار بیشتر روی هر یک از این آیات، سود بیشتری ببرید.

اما همانطور که اساساً به دانشجویانم در چنین دوره‌هایی می‌گویم، شما معمولاً در حال آماده‌سازی یک مطالعه کتاب مقدس یا یک موعظه هستید. شما در حال نوشتن پایان‌نامه نیستید. بنابراین، باید در کنار سایر وظایف خود، زمانی معقول را صرف کنید تا سعی کنید متن را بهتر از قبل بفهمید.

خب، این تقریباً کاریه که ما اینجا انجام می‌دیم. خب، خب، برای امروز کافیه. و به امید خدا، شما رو در جلسه بعدی خواهیم دید.